

انجمن قلم ایران

○ حمیرا رنجبر عمرانی

۸۹

مقدمه

انجمن قلم ایران به سال ۱۳۳۶ش در زمان حکومت محمدرضا پهلوی و به عنوان شعبه‌ای از «انجمن بین‌المللی قلم»، (PEN) در ایران تأسیس شد. این انجمن زمانی در ایران موجودیت یافت که تنها چهار سال از کودتای امریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می‌گذشت.

محمدرضا پهلوی در آن زمان با بهره‌گیری از عناصر نظامی و پشتیبانیهای سیاسی - اطلاعاتی امریکا و انگلستان توانست پس از دوره‌ای پرتنش، حکومت خود را به ثبات نسبی برساند. این حکومت، مصداق نظام دیکتاتوری سلطه‌طلب و وابسته‌ای بود که بر تمام نهادهای فرهنگی، سیاسی جامعه نظارت کامل داشت. در حالی که PEN پس از جنگ جهانی اول به منظور مبارزه با سانسور و اختناق در حکومت‌های دیکتاتوری و برای حمایت از حقوق نویسندگان و اشاعه آزادی قلم و فکر به وجود آمده بود.

در آغاز مطالعه و بررسی پیرامون انجمن قلم، این سؤال پیش می‌آید که چگونه شعبه‌ای از انجمن PEN در کشوری مانند ایران تأسیس شده که سلطنت مطلقه بر آن حاکم است؟ و چرا زین‌العابدین رهنما، یکی از روزنامه‌نگاران و سیاستمداران حرفه‌ای وابسته به حکومت پهلوی، که سالیان متمادی در ارکان سیاسی و اجرایی سلطنت پهلوی خدمت می‌کرد و پسران خود را نیز به پستهای سیاسی رساند، به تأسیس این انجمن اقدام کرد و دبیر کل آن شد؟ مقاله حاضر که با هدف تبیین ماهیت و عملکرد انجمن قلم ایران تدوین شده است، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسشهاست:

۱. چگونگی شکل‌گیری انجمن بین‌المللی PEN و عملکرد آن.

۲. مؤسسين و نخستین اعضای انجمن PEN.

۳. چگونه انجمن PEN که یک نهاد آزادخواه بین‌المللی بود و تنها کسانی را به عضویت خود می‌پذیرفت که اساس‌نامه PEN را قبول می‌کردند و این اساس‌نامه مبتنی بر مبارزه با سانسور قلم و دیکتاتوری است شعبه‌ای در کشور ایران ایجاد کرد؟
 ۴. چرا رهنما به عنوان مؤسس انجمن قلم انتخاب شد؟
 ۵. عملکرد انجمن قلم و فعالیتهای آن چه بود؟ و اعضای آن چه کسانی بودند؟
 ۶. سازمان اداری و تشکیلاتی انجمن چه بود؟
- برای پاسخ به این پرسشها، مباحث مربوط به انجمن را در چهار بخش تقسیم می‌کنیم.
۱. بررسی اجمالی تحولات اروپا و شکل‌گیری انجمن PEN.
 ۲. بررسی زندگی زین‌العابدین رهنما، یا چگونگی تأسیس انجمن قلم ایران.
 ۳. عملکرد انجمن قلم با تکیه بر فعالیتهای ادبی، هنری و سیاسی.
 ۴. بررسی تشکیلات اداری، سازمانی و اساس‌نامه انجمن قلم ایران.
- و در پایان جمع‌بندی نتایج حاصل از این مباحث.

تحولات اروپا و شکل‌گیری انجمن بین‌المللی PEN

انجمن قلم (PEN) نهادی فرهنگی است که از درون تحولات اروپای پس از جنگ جهانی اول سر برآورد.

۹۰

تعریف ادبیات و وضعیت ادبی ملل اروپا با سایر کشورهای جهان از بعضی جهات متفاوت است. مهم‌ترین تفاوت آن، در آداب و سنن و زبانهای گوناگون ملت‌های اروپایی است که به شدت با یکدیگر ممزوج شده‌اند. در اروپا حدود پنجاه زبان و یکصد گویش وجود دارد.^۱ در این مجموعه جغرافیایی، فرهنگ کشورهای گاه چنان به یکدیگر شبیه می‌شود که گویی از یک ریشه‌اند و گاه چنان از هم فاصله می‌گیرد که در دایره جغرافیایی خود محدود می‌گردد و رنگ و صبغه بومی و محلی می‌گیرد. آمیختگی و امتزاج فرهنگ‌های اروپایی بر امور مختلف تأثیری عمیق می‌گذاشت و تبدیل به جریانی عمومی می‌شد.

با نگاه به تاریخچه ادبیات اروپا درمی‌یابیم که ارتباط ادبی در میان ملل اروپا از قرن پانزده میلادی به شکل رسمی درآمد.

ادبیات در اروپا از قرن یازدهم شروع شد. تا پیش از این هنوز در برخی کشورها مانند انگلستان زبان رسمی نیز وجود نداشت. در آلمان نیز از نیمه دوم قرن یازدهم حیات ادبی آغاز شد. تا پیش از این ادبیات فقط در قلمرو کلیسا بود. حتی در ایتالیا تا قرن دوازدهم ادبیات به اشعار و غزل‌واره‌های محلی محدود می‌شد و شاعران دوره‌گرد آن را همراه با چنگ برای مردم می‌خواندند. در هر منطقه، حکمران مخصوصی وجود داشت و لهجه‌ها غالباً متفاوت بود. هنوز ادبیات ملی شکل نگرفته بود، از این رو کشورهای مختلف تأثیر چندانی بر هم نداشتند.

از اواخر قرن پانزده و اوایل قرن شانزده و با آغاز رفورم مذهبی اروپا، تأثیرات ادبی کشورهای بر یکدیگر آغاز شد. نفوذ ادبیات انگلیس و فرانسه بر آلمان، سبب تعدیل ادبیات مذهبی شد.^۲ وقوع انقلاب صنعتی اروپا که سبب توسعه صنایع و کارخانه‌ها و به تبع آن ظهور طبقه کارگر بود، تحولات عمده اجتماعی را در پی داشت. انقلاب صنعتی نه تنها طبقات اجتماعی اروپا را دگرگون کرد، که در ادبیات نیز مکتب جدید رومانیتیکها را به وجود آورد. این مکتب با بهره‌گیری از منابع یونان و رنسانس شکل گرفت. مهم‌ترین ویژگی این مکتب بیان آزادی و حساسیت‌های انسان و تأیید حقوق فردی بود.^۳ با ظهور عصر «ملکه ویکتوریا» (۱۹۰۱ - ۱۸۳۲) ادبیات روی دیگری پیدا کرد. در این دوران، توسعه صنعتی و اقتصادی به سرعت رشد کرد و استعمار برای کشورهای استعمارگر ثروت به همراه آورد اما سانسور شدید بر کار نویسندگان تأثیر منفی گذاشت. نویسندگان این دوره، آرامش دوران قرون وسطی را می‌ستودند و بر امپریالیسم و مصایب اجتماعی و طبقاتی آن خرده می‌گرفتند. برخی به آثار خود جنبه فلسفی می‌دادند و بعضی دیگر در زمینه تعلیم و تربیت قلم می‌زدند. در دوره ویکتوریا، چاپ داستان پیش از سایر آثار ادبی بود؛ پس نویسندگان برای بیان نظریات خود از همین قالب سود می‌جستند. «چارلز دیکنس» (۱۸۷۰ - ۱۸۱۲)، «شارلوت برونته» (۱۸۵۵ - ۱۸۱۶)، «جورج الیوت» (۱۸۸۰ - ۱۸۱۹)، «چارلز کینگسلی» (۱۸۷۵ - ۱۸۱۹)، «روبرت لوئیس استیونسون» (۱۸۹۴ - ۱۸۵۰) از برجسته‌ترین داستان‌نویسان این دوران هستند. مرگ ملکه ویکتوریا در ۱۹۰۱ و به تخت نشستن «ادوارد هفتم» و پس از او «جورج پنجم» (۱۹۱۰) آغاز دوران جدیدی بود.^۴

دوران کوتاه ادوارد، در واقع پایان عصر اقتدار و حاکمیت ویکتوریایی بود که با سرخوشی افراطی بویژه در میان طبقات مرفه و درباری همراه شد. اما این دوران چندان به طول نینجامید و قلم‌های منتقد بار دیگر اوضاع اجتماعی را به چالش کشاندند؛ از طرفی ادبیات مملو از ضد و نقیضها شد. بعضی نویسندگان به ملودرامهای مهمان‌خانه‌ای روی کردند و برخی نویسندگان مانند «جورج برنارد شاو» (۱۹۵۰ - ۱۸۶۵) با مضامین جدیدی در مورد مالیات و عوارض و «هربرت جورج ولز» (۱۹۴۶ - ۱۸۶۶) با داستانهای علمی‌اش جزو نویسندگان نوگرای این دوران شدند. رشد سریع جمعیت و بسط و اشاعه فرهنگ، شمار زیادی از مردم را کتابخوان کرد. پس در ارائه داستان باید به سلیقه‌های مختلف توجه می‌شد. آغاز سلطنت «جورج پنجم» در ۱۹۱۰ گام دیگری به سوی فرهنگ مدرن بود. نویسندگان با آغاز قرن بیستم در بسیاری از آثار خویش مباحث اجتماعی روز را مطرح می‌کردند که البته با استقبال مردم نیز روبه‌رو می‌شد.^۵ از برجسته‌ترین نویسندگان این دوران «جورج مور» (۱۹۳۳ - ۱۸۵۲) «آرنولد بنت» (۱۹۳۱ - ۱۸۶۷)، «جان گالسورثی» (۱۹۳۳ - ۱۸۶۷)، «ئی. ام. فورستر» (۱۹۷۰ - ۱۸۷۹)، «دی. اچ. لاورنس»

(۱۹۳۰ - ۱۸۸۵)، «گراهام گرین» (۱۹۹۱ - ۱۹۰۴)، «ژوزف کنراد» (۱۹۲۴ - ۱۸۵۷) بودند.^۵

انباشت سرمایه در اروپا و بروز جنگهای جهانی، تغییرات بسیاری را متوجه جامعه اروپایی کرد. فروپاشی امپراتوریهای بزرگ مانند روسیه تزاری، عثمانی، اتریش، مجارستان و پروس، مرزهای ملی را دچار تغییرات عمده‌ای کرد. علاوه بر این طبقات اجتماعی تحولات بسیاری را پذیرفت. در سرتاسر اروپا، اشرافیت رو به افول نهاد و طبقه متوسط با فرهنگ جدیدی پا به عرصه اجتماعی گذاشت. زنان در خلال جنگ به کارخانجات راه یافته بودند و نقش جدیدی در نیروی کار به دست آوردند. از این رو حقوق رفاهی و اجتماعی بیشتری نیز طلب کردند. به زنان حق رأی داده شد و همین امر، زمینه‌ساز تحولات عمده‌ای گردید.

در شرق اروپا، لنین اعلام کرد که جنگ جهانی، جنگی امپریالیستی است و تنها زمانی می‌تواند برای کارگران مفید باشد که بتوانند آن را به انقلاب طبقه کارگر تبدیل کنند. شعار صلح، زمین و نان در ۱۹۱۷م در میان طبقات ناخشنود از جنگ با استقبال روبه‌رو شد و علاوه بر کارگران بی‌کار و دهقانان بی‌بهره از زمین، نویسندگان و متفکران نیز به تمایلات کمونیستی گرویدند. حتی در جامعه انگلیس، سوسیالیسم با چهره ملایمی ظهور کرد و اغلب کشورهای اروپایی پس از جنگ با نارضایتی عموم طبقات مختلف به خصوص کارگران روبه‌رو بودند.^۶ این تحولات، عصر تازهای در ادبیات به وجود آورد. اینک نویسندگان یا علیه جنگ می‌نوشتند و یا صحنه‌های جنگ و کشتار را به تصویر می‌کشیدند. در خلال جنگ مکتبهای مختلفی ناشی از شرایط جنگی جامعه ظهور کرد. دادائیسیم و سوررئالیسم از جمله این مکتبها بود. نحله‌های فکری و مکتبهای ادبی پس از جنگ هر روز با شعارهای جدید متولد شده به سرعت نضج می‌گرفتند.

دادائیسیم با همان سرعتی که در اثنای جنگ متولد شد و در سال ۱۹۱۹ به اوج خود رسید، در سالهای ۱۹۲۱م از میان رفت.^۷ اگر چه نمی‌توان ادعا کرد که این نهضت در یک لحظه جان سپرد اما در طول حیات کوتاه خود ریشه‌های سوررئالیسم را پایه‌گذاری کرد و پس از آن اگزستانسیالیسم متولد شد. ظهور این نحله‌ها و مکتب‌های متفاوت فکری در اروپای پس از جنگ نشانه تأثیر عمیق جنگ بر اندیشه اروپاییان است؛ کسانی که جنگ و خونریزی و ویرانی را دیده، لمس کرده بودند و به دنبال راهی می‌گشتند تا نفرت خود را از آن آشکارتر سازند و به نحوی از تکرار آن جلوگیری کنند. نویسندگان برای پیشبرد اهداف خود، در محافل دوستانه یا شغلی، اصول اولیه تفکر خود را پایه‌گذاری می‌کردند. در همان گروه‌های کوچک با بحث و گفتگو، اندیشه‌های خود را سامان می‌دادند. به تدریج افکار اولیه پخته‌تر می‌شد و به نحله یا مکتبی ادبی تبدیل می‌شد. گاهی نیز جمعیت‌های دوستانه

ادبی و تخصصی اولیه به انجمن و یا جمعیت گسترده‌ای تبدیل می‌شد. از جمله محفلهایی که یکی از نویسندگان انگلیسی با محوریت اندیشه ضدجنگ به وجود آورد، «باشگاه فردا» بود که توسط شاعر و داستان‌نویس اهل ولز، «کاترین امی داوسون اسکات» (۱۹۳۴ - ۱۸۶۵) معروف به خانم ساپفو تشکیل شد. باشگاه فردا، بیشتر محفلی دوستانه بود و اعضای آن در کلبه‌ای کوچک در شهر کورنوال (Cornwall) جمع می‌شدند.^۸

تشکیل این محافل از سوی زنان از اوایل قرن بیستم باب شده بود. در آن دوره خاص، زنان برای شرکت در فعالیتهای علمی و ادبی آزادی چندانی نداشتند. آنان با تشکیل اجتماعات ادبی - هنری، حتی در خانه‌های خود به محافل نویسندگان و شاعران راه می‌یافتند. برخی از آنان، ذیل اشعار و یا داستانهای خود، نام پدر و برادر خود را می‌نوشتند تا بتوانند آن را به راحتی چاپ کنند. خانم اسکات در ادامه همان سنت پیشین «باشگاه فردا» را راه‌اندازی کرد. دو، سه سال پس از پایان جنگ، خانم اسکات به این فکر افتاد که اگر نویسندگان جهان برای حفظ صلح در کنار یکدیگر قرار بگیرند می‌توانند مردم کشورهايشان را نیز با خود همراه کنند و با تأثیری که بر افکار عمومی خواهند گذاشت، مانع از تکرار فجایعی مانند جنگ جهانی بشوند. این اندیشه مؤثر واقع شد و بسیاری از نویسندگانی که فجایع جنگ جهانی را دیده و انزجار خود را از جنگ بیان داشته بودند به این محفل روی کردند و باشگاه فردا در مدت کوتاهی به انجمن بین‌المللی پی.ئی.ان (P.E.N) تبدیل شد. اما واژه (PEN) به معنای قلم معنای خاص دیگری نیز در خود داشت که برگرفته از سرواژه‌های: Poet به معنای شاعر، Phaywright نمایش‌نامه‌نویس، Essayist مقاله‌نویس، Editor روزنامه‌نگار و Novelist به معنای داستان‌نویس است.

با دعوت خانم مایفو و رسمیت یافتن انجمن PEN، جان گالسورثی به عنوان نخستین رئیس انجمن قلم برگزیده شد. اهداف انجمن قلم در آن زمان به شرح زیر اعلام شد:

- ۱) ارتقای همکاری و تفاهم روشنفکرانه میان نویسندگان
 - ۲) به وجود آمدن تفاهم بیشتر و احترام متقابل میان ملتها به کوشش انجمن قلم و رفع خصوصتها و تنشهای نژادی، طبقاتی، قومی و ملی.
 - ۳) دفاع از ادبیات در برابر تهدیدات فراوانی که از سوی جهان مدرن متوجه آن است.
 - ۴) دفاع از اصل انتقال آزاد و حصرناپذیر اندیشه در میان یک ملت و یا ملتها.
- اعضای انجمن قلم عهد می‌بندند از مخالفت با هر شیوه سرکوب آزادی بیان نه تنها در کشور و جامعه‌ای که به آن تعلق دارند بلکه در سراسر جهان سر باز نزنند. مطبوعات باید آزاد باشند. انجمن ممیزی و هرگونه سانسور در هنگام صلح را خلاف آزادی می‌داند و ...^۹

در ۱۹۲۶ اعضای انجمن از پانزده کشور تشکیل می‌شد که در برلین یکدیگر را ملاقات کردند. در ۱۹۳۳ کنگره انجمن قلم در یوگسلاوی مسئله سوزاندن کتابها در آلمان را مطرح و این کشور را از عضویت انجمن قلم برکنار کرد.

تا سال ۱۹۳۸ به تدریج کشورهای مختلف به این انجمن پیوستند. امریکا، فرانسه، آلمان، بلژیک، نروژ، استرالیا، لهستان، هلند، مجارستان، یوگسلاوی، اسکاتلند، کاتولونیا، آرژانتین،



کلیشه و نشان PEN

چکسلواکی از جمله این کشورها بودند. اساس نامه انجمن در همان سال تدوین شد.^{۱۰}

در ۱۹۴۱ با وجود بمباران شدید لندن، هفدهمین کنگره بین‌المللی با شرکت ۳۵ کشور به ریاست ای. ام فارستر تشکیل شد.

در ۱۹۴۴ سیصدمین سال میلتون برگزار شد. چندی پس از پایان جنگ جهانی دوم جورج برنارد شاو (۱۹۵۰-۱۸۶۵) که سوگند یاد کرده بود از محافل ادبی دوری گزیند به انجمن قلم پیوست. پیام جهانی

انجمن قلم باعث شد که به سرعت در کشورهای اروپایی و حتی امریکا آغاز به کار کند. جایی که نهضت ضدامپریالیسم در آن به رهبری چهره‌های سرشناسی چون «مارک تواین» رونق داشت.

از جمله افراد برجسته‌ای که در همان سالهای نخست فعالیت انجمن به آن پیوستند ژوزف کنراد، اچ. جی. ولز، آنتول فرانس، پل والر، توماس مان، بنویتو کروس و کارل کوپک بودند که نقش فعالی در آغاز کار انجمن در اروپا ایفا کردند.

در سالهای بعد، نویسندگان برجسته دیگری که موفق به دریافت جوایز نوبل و نظایر آن شده بودند به این انجمن پیوستند.

از جمله کسانی که بعد از گالسورثی به ریاست انجمن قلم رسیدند می‌توان به «آلبرتو مورایوا»، «هاینریش بل»، «آرتور میلر»، «پیر امانوئل»، «ماریو وارگاس لوسا» و «گئورگی کنراد» اشاره کرد.^{۱۱} در ۱۹۴۸م آلمان بار دیگر به عضویت انجمن قلم درآمد.

با تأسیس انجمن قلم، تشکلی جهانی از نویسندگان به وجود آمد که شعار آن برقراری دوستی و وحدت و یکپارچگی میان نویسندگان و روشنفکران بدون در نظر گرفتن آراء و اندیشه‌های ایشان بود. انجمن با اینکه خود را سیاسی نمی‌داند، اما برای به دست آوردن آزادی بیان مبارزه می‌کند. انجمن قلم تحت حمایت یونسکو است.

کنگره‌ها و گردهم‌آیهای انجمن در مکانهای مختلف تشکیل می‌شود تا نشان دهد به یک کشور خاص تعلق ندارد. عضوپذیری انجمن آزاد است و نویسندگان و اهل قلم بدون در نظر گرفتن ملیت، نژاد و زبان، رنگ پوست و مذهب می‌توانند به عضویت آن درآیند. انجمن قلم همه ساله کنگره‌ای برگزار می‌کند و در آن نمایندگان کشورهای عضو حضور می‌یابند. غیر از برنامه‌های همیشگی، رویدادهای فرهنگی-ادبی که شکل گرفته و قوام یافته (جریان ادبی) مورد بحث قرار می‌گیرد. نتیجه مباحث کنگره سالیانه در هیئت رئیسه انعکاس می‌یابد. هیئت رئیسه شامل رئیس، خزانه‌دار و هفت عضو انتخاب شده از میان تمامی اعضاء است. امروز انجمن قلم ۱۳۰ مرکز در ۹۱ کشور جهان دارد. اکنون به جز برای شاعران، نمایش‌نامه و رمان‌نویسان، سردبیران (ویراستاران) و مقاله‌پردازان، عضویت برای مترجمان، سناریونویسان رادیو و تلویزیون، روزنامه‌نگاران و پژوهشگران تاریخ و ادبیات، که شناخته شده و حرفه‌ای باشند، از هر ملیت، نژاد، رنگ و مذهب به شرط موافقت با اساس‌نامه آزاد است.^{۱۲}

اساس‌نامه انجمن بین‌المللی نویسندگان (PEN)

اساس‌نامه انجمن بین‌المللی نویسندگان (PEN) مبتنی بر قطع‌نامه‌هایی است که در کنگره‌های بین‌المللی به تصویب رسیده باشد. بندهایی از آن بدین قرار است:

۱. ادبیات هر چند در اصل جنبه ملی دارد، لیکن حدود و تئوری نمی‌شناسد. بایستی علی‌رغم تشنجات و جزر و مدهای سیاسی یا بین‌المللی مانند سکه واحدی در میان تمام ملل عالم رواج داشته باشد.
۲. در تمام موارد به خصوص در زمان جنگ، کارها و آثار هنری که میراث عام بشری است باید دست نخورده باقی بماند و دستخوش تعصبات ملی و سیاسی واقع نشود.
۳. اعضای انجمن بین‌المللی نویسندگان (PEN) می‌بایست در تمام اوقات و احوال آنچه در قوه دارند برای ایجاد حسن تفاهم و احترام متقابل بین‌المللی به مرحله عمل بگذارند. اعضا تعهد می‌کنند که برای برطرف ساختن دشمنیهای نژادی و طبقاتی و ملی، منتهای کوشش را به عمل بیاورند و از کمال مطلوب بشریت که همانا زندگی در صلح و صفاست، پشتیبانی نمایند.
۴. انجمن بین‌المللی نویسندگان هواخواه اصل نشر افکار (بدون قید و شرط) در داخل هر ملت و در میان تمام ملل می‌باشد. اعضا متعهد می‌شوند که با هرگونه تجاوز علیه آزادی بیان در هر کشور و جامعه‌ای مبارزه کنند که خود به آن تعلق دارند. انجمن بین‌المللی نویسندگان اعلام می‌دارد که طرفدار آزادی مطبوعات بوده و با هرگونه تضییقات مخالفت می‌کند. انجمن معتقد است که پیشرفت جهان به سوی نظام متشکل سیاسی و اقتصادی

ایجاب می نماید که از دولتها و ادارات و مؤسسات به طور آزاد انتقاد شود. ولی از آنجایی که آزادی، متضمن محدودیتهای ارادی و اختیاری است، اعضا متعهد می شوند بر ضد مفسد ناشی از سوءاستفاده از آزادی مطبوعات از قبیل انتشارات دروغین، جعلیات عمومی، وارونه کردن حقایق به خاطر منافع سیاسی و شخصی مبارزه نمایند.^{۱۳}

زین العابدین رهنما مؤسس و دبیر کل انجمن قلم ایران

«زین العابدین رهنما» در ۱۵ آذر ۱۲۷۳ش / ۶ دسامبر ۱۸۹۴م^{۱۴} و به قولی در ۱۲۶۹ش در کربلا به دنیا آمد. پدرش شیخ علی شیخ‌العراقین زاده مازندرانی بود.

زین العابدین تحصیلات خود را از مکتب‌خانه آغاز کرد. سپس با هدف تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه نجف رفت و دروس فقه و اصول و ادبیات عرب و فارسی را آموخت و به کسوت روحانیان درآمد. هم‌زمان با جنگ جهانی اول با برادرش «شیخ محمدرضا» (رضا تجدد) به ایران بازگشت. زین العابدین پس از ورود به تهران از لباس روحانیت خارج شد.^{۱۵} از ۱۲۹۷ وارد عرصه مطبوعات شد. در این دوران اغلب اصحاب مطبوعات به زبان عربی مسلط بودند. در ۱۲۹۹ش زین العابدین، مجله رهنما را تأسیس کرد و نام خانوادگی جدید خود را از همین روزنامه گرفت و از شیخ‌العراقین زاده به رهنما تغییر نام داد.^{۱۶}

۹۶

مجله رهنما از همان ابتدای کار مورد اقبال و توجه عمومی قرار نگرفت. البته پیش از آن و از سال ۱۲۹۷ش که «سید حسین اردبیلی» مدیر روزنامه ایران درگذشت، این روزنامه بدون مدیر ماند و رهنما تصمیم گرفت امتیاز روزنامه ایران را به دست آورد. روزنامه ایران یکی از روزنامه‌های قدیمی و شناخته شده دولتی بود که از زمان «ناصرالدین شاه»، اخبار دربار و وزیران، حکام ولایات و دستورات دولت را منتشر می کرد و از طرف حکومت نیز حمایت مالی می شد. رهنما داوطلب شد روزنامه ایران را چاپ کند و حتی ماهیانه چهل تومان به همسر و دو فرزند اردبیلی بپردازد؛ اما برادر اردبیلی موافقت نکرد و قرار شد پس از مشخص شدن ارث و وراث اردبیلی، تکلیف روزنامه نیز مشخص شود.^{۱۷} چون رهنما موفق به کسب امتیاز روزنامه ایران نشد، تقاضای امتیاز روزنامه جدیدی به نام ایران نو را از وزارت معارف کرد که در روز دوشنبه ۱۴ حوت (اسفند) ۱۳۰۱ به تصویب رسید. اما این روزنامه هم مورد توجه مردم قرار نگرفت.

رهنما بار دیگر امتیاز روزنامه ایران را از وزارت معارف درخواست کرد و در سال ۱۳۰۲ روزنامه مزبور به وی واگذار شد و تمام امتیازات مالی که دولت به روزنامه می داد با موافقت رهنما قطع شد. روزنامه ایران با مدیریت رهنما و مدیرمسئولی برادرش (رضا تجدد) هر روز با کیفیتی



زین العابدین رهنما - مدیر روزنامه ایران

خوب منتشر می شد.^{۱۸} افرادی مانند ملک الشعراء بهار، سید محمد تدین، میرزا علی اکبر داور، سعید نفیسی، علی معتمدی و یحیی دولت آبادی با روزنامه همکاری می کردند. به این ترتیب روزنامه ایران پس از اندک مدتی اعتبار یافت.

پس از شروع به کار روزنامه، رهنما در اداره انتشارات و انطباعات وزارت معارف مشغول به کار شد. در واقع رهنما پس از کسب امتیاز روزنامه ایران به بسیاری از محافل سیاسی راه یافت. علاوه بر این رهنما با نزدیک شدن به «رضاخان» سد مخالفانی مانند «مدرس» را شکست و در ۱۳۰۲ در دوره پنجم مجلس

شورای ملی، از تبریز به نمایندگی انتخاب شد^{۱۹} و به عضویت حزب دمکرات مستقل درآمد که مجموعه‌ای از هواداران رضاخان در اوایل ریاست‌الوزاری وی بودند.

کمیته «تحولات و انقلاب» در حزب، جلساتی را برای تهیه مقدمات سلطنت در منزل سردار سپه و با ریاست خود وی تشکیل می داد. رهنما و برادرش از جمله شرکت‌کنندگان در این جلسات بودند. این گروه تمام حوادث و تغییرات سیاسی روز را مورد مذاکره قرار می داد و برنامه‌های خاصی را برای تغییر سلطنت فراهم می کرد.^{۲۰}

رهنما در مجلس پنجم و روزنامه ایران، بازوی اجرایی قوی و مهمی در اجرای برنامه‌های کمیته مزبور به شمار می رفت. پس از تهیه مقدمات تغییر سلطنت از قاجاریه به پهلوی، رهنما جزو کسانی بود که در مجلس مؤسسان به تغییر سلطنت رأی داد. پس از آنکه پادشاهی رضاخان تثبیت شد، وی رهنما را به اروپا فرستاد تا رسماً تأسیس سلطنت سلسله پهلوی را به اطلاع اروپاییها برساند.

از ایران رهنما گشته روانه برای کارهای محرمانه
گرفته پولهای بی‌نشانه زده در بصره و بغداد چانه
که جمهوری شود این ملک ادبار نه من گویم خودش کرده است اقرار

دریغ از راه دور و رنج بسیار^{۲۱}

به این ترتیب رهنما در زمره هواداران فعال حکومت رضاشاه درآمد. وی در آذر ۱۳۰۵ به

معاونت وزارت فوائد عامه رسید و در خرداد سال بعد، معاون نخست‌وزیر شد. در دوره‌های هشتم و نهم مجلس شورای ملی در فهرست نمایندگان مجلس قرار گرفت و به عنوان نماینده شهر ری به مجلس رفت. با استقرار حکومت رضاشاه، تعداد روزنامه‌ها کم شد. روزنامه اطلاعات با رعایت اصول موردنظر حکومت، تنها روزنامه عصر بود و صبحها هم چند روزنامه خنثی مانند ایران چاپ می‌شد. رهنما تا سال ۱۳۱۴ در دستگاه رضاشاه خدمت می‌کرد اما در این سال ناگهان رضاشاه بر او خشم گرفت و دو برادر در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۱۴ دستگیر و روانه زندان شدند. روزنامه ایران را از رهنما گرفتند و به «مجید موقر» مدیر مجله مهر مهرگان سپردند. رهنما به لبنان تبعید شد اما رضاخان دستور داد حقی از او ضایع نشود. چاپخانه ارزیابی شد و موقر بهای آن را همراه با اجاره دفتر کار و اسباب و اثاثیه روزنامه برای رهنما به لبنان فرستاد.^{۳۲} تبعید رهنما چندان به ضرر او نشد. زیرا لبنان در فاصله دو جنگ جهانی، مرکز فرهنگی غرب و رابط خاورمیانه با اروپا شده بود و دانشگاه‌های معتبری داشت. رهنما پنج فرزند خود حمید، مجید، فریدون، آذر و فریده را به مدارس و دانشگاه‌های آنجا فرستاد و خود مشغول نوشتن و مطالعه شد و کتاب پیامبر را در لبنان به پایان رساند. کتاب پیامبر ترجمه و تألیف است و بخشی از آن از منابع اهل سنت استفاده و نقدهایی نیز بر آن نوشته شده است. پس از اخراج رضاشاه از ایران توسط متحدین، رهنما به کشور بازگشت و روزنامه ایران را از مجید موقر پس گرفت. تبعید او به لبنان سبب شد پس از سقوط رضاخان، رهنما خود را مبارزی با ناگفته‌های بسیار معرفی کند و همین مسئله تیراژ روزنامه را نیز بالا برد.

رهنما بار دیگر با استفاده از نفوذ روزنامه در میان رجال سیاسی به مناصب حکومتی دست یافت و در مرحله اول، ریاست انتشارات و تبلیغات را پذیرفت. محمدرضا پهلوی در آغاز سلطنت سعی داشت از ناراضیان حکومت پدرش دلجویی کند. رهنما که در جرگه این گروه قرار داشت به سال ۱۳۲۳ وزیر مختار ایران در پاریس شد. رهنما همراه نیمی از خانواده‌اش رهسپار پاریس شد. حمید پسر بزرگ و چند تن از فرزندان او را در ایران باقی گذاشت تا روزنامه حفظ شود. بقیه همراه پدر در پاریس مقیم شدند و به تحصیلات خود ادامه دادند.

رهنما در پاریس با هویدا کارمند عادی سفارت، آشنا شد. دوستی رهنما و هویدا سبب شد هویدا پس از رسیدن به نخست‌وزیری از رهنما و پسرانش حمایت کند. تا جایی که حمید رهنما پسر بزرگ زین‌العابدین را به عنوان وزیر اطلاعات و جهانگردی و مجید رهنما را به عنوان وزیر علوم و آموزش عالی برگزید.^{۳۳}

رهنما گام‌های اولیه برای تأسیس انجمن قلم را در همان سالهای سفارت در فرانسه برداشت. او در ایجاد ارتباط با افراد بسیار ماهر بود. در زمانی که فقر در پاریس پس از جنگ جهانی بیداد

می‌کرد، مهمانیهای مجللی را در سفارت ایران ترتیب داده نویسندگان و روشنفکران معروف فرانسه را در آنجا جمع می‌کرد. این مجالس سبب شد، نویسندگانی مانند «آندره مالرو»، «پل والر»، «فرانسوا وریاک»، از اعضای اصلی انجمن PEN، در زمره دوستان و آشنایان نزدیک رهنما درآیند. سالها بعد هنگامی که دولت فرانسه به رهنما نشان «کماندور» اعطا کرد به پذیراییهای خاص رهنما از فرانسویان نیز اشاره ظریفی کرد.



زین‌العابدین رهنما

مدت سفارت رهنما در پاریس خیلی زودتر از زمان معمول به اتمام رسید. به دلیل شایعاتی پیرامون مشارکت اعضای سفارت در امر قاچاق به درخواست دولت فرانسه، رهنما به ایران فراخوانده شد.^{۲۴} او پس از مراجعت به کشور همچنان با دوستان فرانسوی‌اش مکاتبه داشت. رهنما در ۱۳۲۴ش از اغلب مشاغل دولتی کناره گرفت و فقط مشاور عالی بانک اصناف بود. او حتی روزنامه ایران را نیز تعطیل کرد، اما ارتباط خود را با روزنامه‌نگاران همچنان حفظ و نگارش زندگی امام حسین(ع) را به صورت پاورقی در مجله سپید و سیاه آغاز کرد. قلم رهنما چنان شیوا بود که تیراژ مجله را بالا برد.^{۲۵}

رهنما در سال ۱۳۳۶ش «انجمن قلم ایران» را پایه‌گذاری و از این زمان به بعد بیشترین فعالیت خود را در انجمن خلاصه کرد.^{۲۶} در عین حال ارتباط با سیاسیون را همچنان حفظ کرد. او همواره با دربار و دفتر فرح ارتباط و مکاتبه داشت. او بسیاری از فعالیتهای خود را اعم از چاپ کتاب یا مقاله، شخصاً به اطلاع فرح پهلوی می‌رساند^{۲۷} و در مقابل مبالغی به عنوان هزینه چاپ و نشر از دفتر فرح دریافت می‌کرد. برخی کتابهای او مانند رؤیای ایران به هزینه دفتر مخصوص فرح چاپ و منتشر شد.^{۲۸} رهنما عموماً در اجتماعات انجمن و در سخن‌رانیهایش سعی داشت خود را

۱۴۱۳ ۸۲۶



و مخصوص غیاث حضرت شهبانوی ایران

گزارش

=====

در مورد پرداخت مبلغ چهار میلیون ریال به اداره حسابداری دربار شاهنشاهی برای پرداخت حق التالیف جناب آقای زین العابدین رهنما معروض میدارد که در قسمت اخیر ماده ۲ قرارداد منعقدہ بین دربار شاهنشاهی و جناب آقای رهنما پرداخت مبلغ بالا به اقساط سه گانه و در تناوب مشروط و معین قید شده است .
مورد استدعا آنکه : مقرر میفرمایند مبلغ فوق یکجا به اداره حسابداری دربار شاهنشاهی پرداخت گردد و یاد تناوب تعیین شده پرداخت هر قسط بعمل آید .

مجلس مطالعات تاریخ

شیراز
۱۴۷۱/۱۲/۲۱

به دور از تمایلات سیاسی و صرفاً نویسنده‌ای مستقل نشان دهد^{۲۹} ولی در اسناد و مکاتبات خود با دربار یا سیاسیون از ابراز وفاداری به سلطنت خودداری نمی‌کرد.

چون شاهنشاه خود را شاهنشاهی حقیقت‌دوست و واقع‌بین می‌دانم این عریضه را برای خدمت به کشور و شاهنشاه معروض می‌دارم. اکنون این حقیقت را به گونه اختصار تذکر دهم که چه در زمان اعلی‌حضرت رضاشاه کبیر و چه در دوره پنجاه ساله سلطنت اعلی‌حضرت شاهنشاه آریامهر بنده برای خدمات خود اجری و پاداشی به هیچ عنوان نه خواسته‌ام و نه گرفته‌ام جز ادای وظیفه اخلاقی و خدمات صادقانه و بی‌ریا به شاهنشاه معظم خود و به کشور شاهنشاهی منظوری نه داشته و نه دارم.

او در ادامه پیشنهادهایی به دفتر مخصوص شاه ارائه داد تا در تهیه مقالات و بروشورهای مربوط به پنجاهمین سال سلطنت پهلوی به کار گرفته شود. رهنما علاوه بر ابراز وفاداری تام و کمال نسبت به سلطنت، مقدماتی را فراهم کرد تا از نیروهای انجمن نیز در این جشنها استفاده شود^{۳۰} و خود به عنوان دبیرکل انجمن قلم برنامه‌ها و گردهم‌آییهایی به همان مناسبت ترتیب داد و در آن جلسات از سیاسیون درجه یک مانند اسدالله علم دعوت کرد.^{۳۱}

در سال ۱۳۴۷ش از اداره حسابداری دربار حق‌التألیفی به مبلغ چهار میلیون ریال در سه قسط برای زین‌العابدین رهنما تعیین شد که احتمالاً به عنوان حق‌التألیف ترجمه و تفسیر قرآن کریم بوده است.^{۳۲}

رهنما، سیاستمدار کهنه‌کار می‌دانست که در جامعه ایران شاهنشاهی، داشتن ارتباط نزدیک و دوستانه با سیاسیون فعال در بسیاری موارد می‌تواند راهگشا باشد. به همین دلیل با اشخاصی مانند اسدالله علم، منوچهر اقبال، امیرعباس هویدا و علی‌اصغر حکمت رابطه نزدیک و صمیمانه داشت و از طریق همین ارتباط، بسیاری از اهداف خود را در انجمن قلم پی‌گیری می‌کرد که اشاره خواهد شد.

در ۱۳۵۱ش از طرف دولت فرانسه، یک قطعه نشان «دانش و هنر» و لقب «کماندور» به زین‌العابدین رهنما داده شد. سفیر فرانسه «روبر دو سوزا» در مراسم اعطای این نشان اعلام کرد، نشان مذکور به دلیل نگارش زندگی امام حسین(ع) و حضرت پیامبر(ص) بوده است. رهنما نیز با اجازه رسمی از طرف شاه این نشان را پذیرفت.^{۳۳}

رهنما سالیان متمادی سمت دبیرکلی انجمن قلم را به عهده داشت. اما چون در طول سالهای خدمتش، انجمن قلم نتوانست جایگاه مناسبی در جامعه پیدا کند، رهنما از این شغل کنار گذاشته شد.

وی پس از آن، دیگر وارد خدمات دولتی نشد و به تألیف کتاب پرداخت. او در ۱۳۶۸ش،

پس از نزدیک به یک قرن زندگانی، از دنیا رفت.^{۳۴}

تشکیلات اداری و ارکان اجرایی انجمن قلم ایران

انجمن دارای چهار رکن اصلی بود:

۱. مجمع عمومی

۲. شورای عالی

۳. دبیرکل

۴. کمیسیونها

۱. مجمع عمومی

مجمع عمومی هر سه سال یک بار در محل انجمن، به دعوت دبیرکل و به ریاست یکی از اعضای اصلی تشکیل می‌شد. کلیه اعضای انجمن می‌توانستند در جلسات مجمع عمومی حضور یابند و در رأی‌گیری شرکت کنند. جلسات مجمع با حضور نصف به علاوه یک اعضای اصلی و هیئت رئیسه رسمیت می‌یافت و تصمیمات مجمع با اکثریت نصف به علاوه یک آرا اعتبار داشت.

۱۰۲

دبیرکل وظیفه داشت قبل از تشکیل مجمع عمومی برای هر یک از اعضای اصلی دعوت‌نامه ارسال کند و طی آن تاریخ و زمان و مکان تشکیل مجمع و صورت جلسه آن را اعلام کند؛ علاوه بر این در دو روزنامه کثیرالتشعار برنامه مجمع را اعلام نماید. این آگهیها به منزله دعوت‌نامه رسمی از تمام اعضا بود.

در صورتی که در جلسه مجمع، اکثریت نصف به علاوه یک اعضا حاضر نمی‌شدند، جلسه دوم باید حداکثر دو هفته پس از جلسه اول تشکیل می‌شد. این جلسه با حضور هر تعداد از افراد و صرف‌نظر از قاعده نصف به علاوه یک، تشکیل می‌شد.

وظایف مجمع عمومی به شرح زیر بود:

الف. ارائه گزارش عملیات انجمن

ب. تصویب بودجه سالیانه انجمن

ج. اصلاح برخی از مواد اساس‌نامه

د. رسیدگی و تصویب پیشنهاد شورای عالی در مورد اخذ وام

ه. انتخاب اعضای شورای عالی انجمن

و. تعیین خط‌مشی کلی انجمن

ز. تصمیم به انحلال انجمن

۲. شورای عالی

هیئت رئیسه انجمن مرکب بود از:

- الف. رئیس شورای عالی، دو نفر نایب رئیس، دبیرکل و یک نفر خزانه‌دار که در اولین جلسه مجمع عمومی از میان اعضا انتخاب می‌شدند. همچنین ده تا هجده نفر از اعضای اصلی انجمن به پیشنهاد هیئت رئیسه و تصویب مجمع عمومی به عنوان اعضای شورای عالی انتخاب می‌شدند. مدت عضویت در شورای عالی سه سال بود و انتخاب مجدد اعضا بلامانع بود.
- ب. شورای عالی انجمن هرماه یک بار به ریاست رئیس این شورا تشکیل جلسه می‌داد و در صورت غیبت وی، جلسه با حضور یکی از نایب‌رئیسان به ترتیب اولویت انتخاب آنان در مجمع عمومی تشکیل می‌شد.
- ج. برای تشکیل جلسات شورای عالی و رسمیت آن، حضور رئیس یا یکی از نواب رئیس و دبیرکل و خزانه‌دار و حداقل پنج تن از اعضای دیگر شورای عالی کافی بود. تصمیمات شورا با حضور حداقل نصف اعضای شورا اتخاذ می‌شد و با اکثریت آرا اعتبار می‌یافت. در صورت تساوی آرا، رأی رئیس بر تصمیمات نهایی تأثیر می‌گذاشت.

۱۰۳

وظایف شورای عالی

- الف. تهیه و تنظیم آیین‌نامه و مقررات در حدود خط‌مشی کلی مجمع عمومی.
- ب. تعیین تعداد کمیسیونها و انتخاب اعضای آنها از بین افراد واجدالشرايط بنا به پیشنهاد دبیرکل.
- ج. رسیدگی و تصویب اموری که برای پیشرفت مقاصد انجمن از طرف دبیرکل پیشنهاد می‌شد.
- د. اتخاذ تصمیم نسبت به طبع و نشر و ترجمه و آثار ارزنده نویسندگان.
- ه. اتخاذ تصمیم نسبت به ایجاد ارتباط و مکاتبه با مؤسسات و مراکز ادبی و علمی بین‌المللی و تشکیل کنفرانس و سمینار به منظور پیشبرد مقاصد انجمن و تشویق ادبا.
- و. انتخاب و اعطای جوایز به کسانی که آثار منظوم یا منثور آنان از طرف کمیته مربوطه درخور توجه و ممتاز تشخیص داده می‌شد.
- ز. تهیه و تنظیم وظایف کمیسیونها.
- ح. تصویب آیین‌نامه‌های اداری - مالی و تشکیلاتی و هر نوع آیین‌نامه اجرایی دیگر برای انجمن.
- ط. تقدیم پیشنهاد تغییر و اصلاح مواد اساس‌نامه انجمن و اخذ وام به مجمع عمومی.
- ی. نصب قائم‌مقام دبیرکل بنا بر پیشنهاد دبیرکل.

- ک. تصویب میزان حق عضویت اعضای افتخاری بنا به پیشنهاد دبیرکل.
- ل. اتخاذ تصمیم نسبت به دایر کردن شعب.
- م. اتخاذ تصمیم نسبت به شرکت در کنفرانسهای ادبی بین‌المللی و انتخاب عضو یا اعضای شرکت‌کننده.
- دبیرکل انجمن بنا به مقتضیات می‌توانست هر یک از اعضای رسمی انجمن را برای حضور در جلسات ماهیانه شورای عالی دعوت کند. این افراد می‌توانستند در مذاکرات شورای عالی شرکت کنند ولی در رأی‌گیری فقط اعضای رسمی شورا شرکت می‌کردند.

۳. دبیرکل

- دبیرکل مسئول کلیه امور اداری، مالی و اجرایی انجمن بود. یک نفر قائم‌مقام با پیشنهاد دبیرکل و به وسیله شورای عالی انجمن انتخاب می‌شد.
- وظایف دبیرکل عبارت بود از:
- الف. اجرای تصمیمات مجمع عمومی و شورای عالی
- ب. تهیه و تنظیم آیین‌نامه‌های لازم و پیشنهاد آن به شورای عالی برای تصویب و رسیدگی
- ج. حفظ حقوق و منافع و اموال انجمن و نمایندگی انجمن نزد کلیه مقامات دولتی و مؤسسات و اشخاص حقیقی یا حقوقی یا حق توکیل به غیر
- د. تهیه و تنظیم پیشنهاد بودجه سالیانه مجمع عمومی برای تصویب
- ه. تهیه و تنظیم گزارش سالیانه و تقدیم به مجمع عمومی و همچنین شورای عالی در مواعید مقرر در این اساس‌نامه
- و. پیشنهاد میزان حق عضویت اعضای اصلی به شورای عالی
- ز. اجرای تصمیمات شورای عالی در خصوص طبع و نشر ترجمه آثار برجسته نویسندگان و برقراری ارتباط با مراکز علمی و ادبی بین‌المللی و تشکیل کنفرانس و سمینارهای ادبی و تنظیم برنامه‌های مربوطه و حفظ ارتباط انجمن با مرکز بین‌المللی و سایر شعب آن در جهان
- ح. تعیین شخصی به عنوان جانشین خود و پیشنهاد او به شورای عالی
- ط. امضای مکاتبات جاری انجمن و استخدام کارمند در حدود بودجه مصوبه و عزل آنها
- دبیرکل از یک طرف طراح و پیشنهاد کننده اموری مانند تغییر و اصلاح مواد اساس‌نامه، میزان حق عضویت اعضا، تهیه آیین‌نامه‌های متفاوت، تهیه بودجه سالیانه و ... بوده و از طرف دیگر در شورای عالی، که وظیفه تصویب طرحها را داشت، فعال بود و همچنین اجرای طرحها و لوایح را برعهده داشت. او در اجرای این نقش سه‌جانبه، اهمیت فوق‌العاده مؤثری در



۳۴۴، بلوار الزابت
کلیان ۴۲۱۳۸ - تلگراف : دایرانبه
تهران

اصنافنامه

و

آئین نامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
انجمن بین المللی قلم
رتال جامع علوم انسانی

زین العابدین رهنما دبیرکل انجمن قلم ایران - خیابان نیاوران - کوی رهنما - تجریش
تلفن ۸۵۸۵۴ - ۸۳۲۲۲

تصمیم‌گیریها و تعیین خطوط اصلی انجمن داشت.

۴. کمیسیونها

به منظور بررسی و مطالعه و اظهارنظر در مورد موضوعات و اهداف انجمن، کمیسیونهایی در انجمن تشکیل می‌شد. تعداد این کمیسیونها و ضرورت ایجاد آن از طرف شورای عالی تعیین می‌شد.

هر کمیسیون مرکب از سه الی پنج نفر بود. اعضای هر کمیسیون به پیشنهاد دبیرکل و تصویب شورای عالی تعیین می‌شدند. کمیسیونها پس از انجام وظایف محوله، گزارشهای خود را به شورای عالی ارائه می‌دادند.^{۳۵}

امور مالی

امور مالی انجمن به وسیله دبیرکل اداره می‌شد. منابع درآمد از چند طریق تأمین می‌شد: الف. حق عضویت: هر یک از اعضا ماهیانه صد ریال می‌پرداختند. علاوه بر این هر داوطلب باید سیصد ریال به عنوان ورودیه می‌پرداخت.^{۳۶} ب. مبالغی به وسیله افراد حقیقی یا حقوقی کمک می‌شد. رهنما با استفاده از روابط خود با افراد بانفوذ، منابع و تسهیلاتی به دست می‌آورد که ساختمان انجمن در بلوار الیزابت (کشاورز کنونی) از این جمله بود و توسط شرکت نفت تأمین می‌شد. انجمن دارای سه گروه عضو بود:

الف: عضو اصلی
ب: عضو افتخاری

ج: عضو وابسته

اعضای افتخاری و وابسته از پرداخت حق عضویت معاف بودند. شخصیت‌های علمی و ادبی که خدمات ارزنده و برجسته‌ای در راه تحقق بخشیدن به اهداف انجمن انجام داده یا کمک مالی درخوری به صندوق انجمن پرداخت کرده بودند به پیشنهاد دبیرکل و تصویب شورای عالی به عضویت افتخاری انجمن درمی‌آمدند.

انجمنهای ادبی و علمی دیگری نیز می‌توانستند عضو انجمن باشند یا با آن همکاری نمایند. در صورت همکاری با اهداف انجمن و تصویب شورای عالی به عضویت انجمن درمی‌آمدند.

کسانی که مایل به عضویت در انجمن بودند باید درخواست خود را مطابق با آیین‌نامه - تنظیم نموده به کمیسیون عضویت ارائه می‌دادند.^{۳۷}

در میان نویسندگان، شعرا و اندیشمندان متعدد ایرانی در آن دوران گروه اندکی حاضر به عضویت در انجمن قلم شدند.

از جمله کسانی که به عضویت انجمن درآمدند: سیمین بهبهانی، ابراهیم صهبا، ابوالحسن ورزی، دکتر ناظرزاده کرمانی، احمد انوار، دکتر رعدی، دکتر رضوی، خلیل سامانی، مهدی سهیلی، راه‌گذر (شاعر).

برخی از ارتشیان نیز به عضویت انجمن درآمدند: سرهنگ اعتماد مقدم، سرهنگ شاه‌زیدی، سرلشگر نخجوانی. از سیاسیون نیز تعدادی در برخی جلسات انجمن شرکت می‌کردند: مظفر بقایی، اسدالله علم، ابراهیم خواجه‌نوری، احمد هومن، امیرعباس هویدا، منوچهر اقبال و ...

هیئت رئیسه انجمن قلم

از همان آغاز به کار انجمن، ره‌نما به عنوان مؤسس و دبیر کل سعی کرد شخصیت‌های علمی و ادبی کشور در رأس انجمن قرار گیرند تا رنگ و صبغه فرهنگی انجمن بیشتر شود.

در اولین انتخابات انجمن به سال ۱۳۳۶ش، دکتر محسن هشترودی، به عنوان رئیس انجمن انتخاب شد.^{۳۸} در انتخابات ۱۳۴۰ش بار دیگر دکتر محسن هشترودی ریاست انجمن را به عهده گرفت. دکتر محمد معین، عبدالرحمن فرامرزی به سمت نایبان رئیس و خانم فرح ورزی به عنوان خزانه‌دار اول انجمن انتخاب شدند.^{۳۹}

در سال ۱۳۴۲ش علی‌اصغر حکمت رئیس انجمن و دکتر محمود سعیدی، دکتر هومن و خانم نیر سعیدی نواب رئیس و دکتر رحمت مصطفوی دبیر انجمن بودند.^{۴۰}

در سال ۱۳۴۵ش بار دیگر دکتر هشترودی به ریاست انجمن رسید و در سال ۱۳۴۷ دکتر منوچهر اقبال، رئیس شرکت ملی نفت ایران به ریاست انجمن انتخاب شد. عباس خلیلی و نیره میرفخرایی نایبان رئیس و فرح‌دخت رکنی نایبان رئیس شدند. نیره میرفخرایی عضو شورای فرهنگی سلطنتی، نماینده مجلس شورای ملی، عضو کمیته شعر و ترانه رادیو و عضو هیئت امنای کتابخانه پهلوی بود.^{۴۱}

عباس خلیلی، روزنامه‌نگار و مترجم تاریخ ابن اثیر بود.^{۴۲}

هر یک از افراد مذکور عضو ادارات و سازمانهای وابسته به دولت بودند. این امر نشان می‌دهد، انجمن قلم کاملاً وابسته به حکومت بود و نهادی مستقل محسوب نمی‌شد.

محل انجمن

انجمن در ابتدای کار خود محل خاصی نداشت و جلسات هیئت مدیره در ابتدا هفته‌ای یک

بار در تالار روزنامه کیهان و یا در منزل رهنما تشکیل می‌شد. جلسات عمومی و سخن‌رانیها در موزه ملی ایران و یا در باشگاه دانشگاه تهران برپا می‌شد. اگرچه رهنما در همان سالهای اول آغاز به کار انجمن اعلام کرد زمینی در حدود ۲۰۰۰ متر از طرف نظام‌السلطنه مافی به انجمن قلم اهدا شده است اما از چگونگی استفاده از آن اطلاعی در دست نیست.^{۴۳} سال ۱۳۴۲ انجمن قلم از انجمن مطبوعات درخواست کرد، جلسات خود را در محل سالن اجتماعات انجمن مطبوعات تشکیل دهد. انجمن مطبوعات با این امر موافقت کرد و از اردیبهشت ماه ۱۳۴۲ جلسات انجمن در آن محل برگزار شد.^{۴۴}

در سال ۱۳۴۳ انجمن قلم از دانشگاه تهران درخواست کرد که در دانشگاه محلی برای فعالیتهای انجمن، در نظر گرفته شود. ریاست دانشگاه به دلیل رفت و آمد افراد غیردانشجو به انجمن با این مسئله مخالفت کرد.^{۴۵}

بالاخره در سال ۱۳۴۷ منوچهر اقبال رئیس شرکت ملی نفت ایران ریاست انجمن را نیز به عهده گرفت و ساختمانی واقع در بلوار الیزابت (کشاورز فعلی) از محل درآمدهای شرکت ملی نفت ایران، در اختیار انجمن قرارداد. از این زمان به بعد جلسات انجمن با نظم و برنامه‌ریزی بیشتری تشکیل شد.^{۴۶}

جلسات انجمن

انجمن قلم در طول دو دهه فعالیت خود از همان ابتدای کار هر دو هفته یک بار جلسات سخن‌رانی عمومی برگزار می‌کرد. خانم سیمین بهبهانی سخن‌گوی انجمن و یا خانم فروزنده اربابی آغازگر جلسات بودند. ابراهیم صهبا نیز بیشتر مواقع اشعاری به مناسبت موضوع جلسه قرائت می‌کرد. در برخی جلسات، اجرای نمایش و پخش فیلمهای تبلیغاتی یا فیلم زندگی نویسندگان جزئی از برنامه بود.^{۴۷} در تمامی جلسات یکی از اعضای انجمن یا مدعوینی از استادان دانشگاه یا شاعران یا سیاسیون سخن‌رانیهای می‌کردند. به مناسبت موضوع سخن‌رانی، جلسات انجمن به چند دسته تقسیم می‌شد:

۱. جلسات با موضوعات علمی

جلساتی که سخنرانان آن استادان دانشگاه بودند با توجه به حوزه تخصصی آنان، موضوعات علمی ارائه می‌شد و شرکت‌کنندگان این جلسات نیز دانشجویان و دانش‌آموزان بودند. به عنوان مثال در ۱۹ آذر ۱۳۴۲ دکتر رضوی در مورد تاریخ و جغرافیای فارس و خلاصه‌ای از نحوه حکومتداری سلاطین این خطه مطالبی عنوان کرد.

در همین جلسه علی دشتی قطعه شعری خواند و گفت: منظور انجمن، آزادی افکار و قلم و مبارزه با دیکتاتوری است.^{۴۸} اگرچه انجمن هیچ‌گاه چنین هدفی را دنبال نکرد، اما این شعارها به خصوص به هنگام حضور گروهی از دانشجویان در جلسات انجمن مطرح می‌شد. در جلسه‌ای دیگر به تاریخ ۲۷ شهریور ۴۸، دکتر عالی‌خانی، رئیس دانشگاه تهران، در مورد مشکلات و موانع علمی - تحقیقی کشور و سطح نازل علم در دانشگاهها توضیحاتی ارائه داد.^{۴۹}

در تاریخ ۲۹ آذر ۴۹ ابراهیم صفایی دو سند جدید در مورد شورش تبریز ارائه کرد و دلیل این شورش را ظلم و جور پیشکار تبریز نسبت به مردم دانست.^{۵۰} در جلسه ۳۰ خرداد ۵۰ دکتر ناظرزاده کرمانی گزارشی از سفر خود به پاریس و آلودگی جوانان غربی ارائه کرد.^{۵۱}

همچنین ۶ خرداد ۵۲ دکتر حق‌شناس درباره شعرا و انگیزه آنان سخن گفت. سپس به موضوعات شعر و ترانه‌هایی انتقاد کرد که در آن زمان در ایران تهیه می‌شد. علاوه بر استادان دانشگاههای ایرانی، بعضی از سخنرانان نیز از دانشگاههای خارجی دعوت می‌شدند. آنان نیز اغلب مباحثی در حوزه تخصصی خود را ارائه می‌کردند. در جلسه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۰ دکتر شمس‌الدین احمد از دانشگاه کشمیر در مورد نفوذ زبان پارسی در هند سخنانی ایراد کرد.^{۵۲}

۲. موضوعات سیاسی

تقریباً در نیمی از جلسات انجمن، مدعوین و سخنرانان از شخصیت‌های سیاسی کشور بودند. در این صورت جلسات انجمن به تربیون تبلیغاتی حکومت تبدیل می‌شد.

در جلسه ۲۴ اردیبهشت ۵۱ معاون آموزش و پرورش و سناتور خواجه‌نوری شرکت داشتند. موضوع جلسه، پیشرفتهای آموزشی ایران، افزایش مدرسه و دانشگاه بود! خواجه‌نوری نیز فعالیتهای دولت را ستود و در عین حال اعلام کرد باید کاری کنیم تا فرار ملت از دولت برطرف شود.^{۵۳}

از دیگر سیاسیون که در جلسات انجمن شرکت کردند، فرخ‌رو پارسا، وزیر آموزش و پرورش بود که در ۵ اسفند در مورد پیشرفتهای آموزشی ایران و دستورات شاه مبنی بر افزایش کیفیت آموزش سخن گفت و فرمان شاه را به عنوان رحمت بزرگی برای ملت ایران دانست.^{۵۴}

مجید رهنما (فرزند زین‌العابدین رهنما) وزیر علوم و آموزش عالی، عباس هویدا (نخست‌وزیر)، دکتر مصطفی الموتی (رهبر فراکسیون حزب ایران نوین در مجلس)، عبدالله ریاضی (رئیس مجلس) از دیگر سیاسیون بودند که به عنوان سخنران در جلسات انجمن شرکت و به نحوی از دولت شاهنشاهی تقدیر می‌کردند!

۳. جلسات ادبی

در جلسات ادبی بیشتر از شاعران دعوت می‌شد. انجمن می‌کوشید حضور شاعرانی را که مخاطب و محبوبیت بیشتری داشتند، به جلسات انجمن جذب کند. به عنوان مثال شب شعری با حضور مهدی سهیلی برگزار شد. در این جلسه عده زیادی دانش‌آموز نیز حضور داشتند. به همین دلیل در مورد انقلاب سفید سخن‌رانی میسوطی برای حضار ارائه شد و ابراهیم صهبا نیز اشعاری در مدح شاه و فرخ سرود.^{۵۵}

همچنین شب شعر دیگری با حضور فریدون مشیری در ۹ اردیبهشت ۵۲ برگزار شد.^{۵۶} تعداد شاعرانی که با انجمن همکاری می‌کردند بسیار اندک و به همین دلیل جلسات ادبی نیز بسیار انگشت‌شمار بود.

۱۱۰

۴. موضوعات مذهبی

جلسات خاصی با عنوان مذهبی یا سخن‌رانان دینی در انجمن تشکیل نمی‌شد. تنها گاهی سخن‌رانان موضوع صحبت را به مسائل دینی می‌کشاندند که در آن صورت جلسه از حساسیت برخوردار می‌شد. در ۱۳۴۹ فرخ صمیعی، سخن‌ران جلسه با تمجید از شاعران و نقش مثبت آنان در حرکت‌های اجتماعی ابراز داشت که شاعران و هنرمندان می‌توانند مشکلات اجتماع را حل کنند.

در گذشته‌های دور که شاعران نبودند، جادوگران و پیامبران با سحر و جادو مشکلات را حل می‌کردند. این جلسه با اعتراض حاضرین روبه‌رو شد و رهنما پشت تریبون رفته اعلام کرد ما همه ایمان داریم و آقای فرخ نظر سویی نداشتند.^{۵۷} به طور کلی سیاست اصلی انجمن وارد نشدن در امور مذهبی بود و همواره از این امر اجتناب می‌شد.

۵. جلسات انتقادی

انجمن قلم از آغاز فعالیت خود اعلام کرده بود که انجمنی ادبی است و هیچ دخالتی در امور سیاسی کشور ندارد. اما در عمل نشان داد که نهادی کاملاً وابسته به حکومت است و از انجام خدمات تبلیغاتی در جهت اهداف حکومت ابایی ندارد. در بین جلسات پرشمار انجمن فقط در جلسه‌ای، محمدعلی سپانلو نسبت به اعمال سانسور و نارسا بودن ادبیات معاصر سخن‌رانی کرد.^{۵۸}

رهنما خود نیز گاهی در برخی جلسات سخن‌رانی می‌کرد اما در اغلب موارد خط‌مشی کلی انجمن را حفظ می‌کرد. تنها در موارد معدودی و شاید برای حفظ ظاهر به سیاست‌های سلطه‌جویانه آمریکا و انگلیس بر آسیا می‌پرداخت و یا به نحوی نسبت به کشورهای کمونیستی ابراز تمایل می‌کرد. او پس از سفر به چین به بررسی وضعیت سیاسی-اجتماعی و اقتصادی چین پرداخت و آن را بسیار مطلوب توصیف کرد.^{۵۹} و یا در جلسه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۴۹ که با حضور «لویس گالاتیر» رئیس انجمن قلم نیویورک تشکیل شده بود، پس از سخن‌رانی میهمان جلسه، رهنما با نقد سیاست‌های آمریکا، سخنانی ایراد کرد. او به دخالت آمریکا در کامبوج اشاره کرد و به گالاتیر گفت شما باید حامل این پیام و احساسات ما مردم آسیا برای امریکاییان باشید.^{۶۰}

فعالیت‌های جنبی

یکی از فعالیت‌های مهم انجمن قلم، حمایت از برنامه‌های انقلاب سفید بود. در همین راستا در جلسات انجمن سخن‌رانان موظف به تشریح و توصیف این برنامه‌ها و ذکر آثار به اصطلاح مثبت آن در جامعه بودند.^{۶۱} در تأکید بر این نکته که رهنما عنصر وابسته حکومتی بود، همین کافی است که رهنما در کمیته برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله عضو بود و در زمینه تهیه مقاله و کتاب و بروشورهای تبلیغاتی طرف مشاوره قرار می‌گرفت. علاوه بر این مأموریت داشت گروهی از نویسندگان را در همین زمینه به همکاری دعوت کند. نکته درخور توجه اینکه وی گروهی از نویسندگان فرانسوی و امریکایی عضو انجمن قلم را به کمیته مزبور معرفی کرد؛ زیرا معتقد بود قلم آنان از شیوایی و فصاحت بیشتری نسبت به ایرانیان برخوردار است و بهتر می‌توانند مطالبی در این زمینه بنویسند.^{۶۲}

علاوه بر این، پذیرایی از میهمانان خارجی، اعضای انجمن قلم کشورهای دیگر، نویسندگان و پژوهشگران به عهده انجمن بود. به عنوان مثال در تاریخ ۲۳ خرداد ۳۸ آقا و خانم هارولد لمب در ایران حضور داشتند و از طرف انجمن و دوستان امریکایی خاورمیانه، ضیافتی در

باشگاه دانشگاه تهران برپا شد.^{۶۳}

انجمن قلم از ۱۳ آذر ۱۳۴۵ با هدف جذب مخاطب بیشتر، جلسات خود را با جلسات «انجمن تسلیح اخلاقی» - محفلی شبه ماسونی - تلفیق کرد. پس از توافق، دو انجمن جلسات مشترکی را هر هفته در تالار موزه ایران باستان تشکیل می‌دادند.

تسلیح اخلاقی، اولین بار به وسیله شخصی انگلیسی به نام «فرانک بوفمان» تأسیس شد. مرکز آن شهر «کو» در سوئیس بود و در ایران و هندوستان و برخی کشورهای آسیایی و اروپایی شعبی داشت. در ایران، ابوالفضل حاذقی (نماینده مجلس)، مهندس معتضدی، محمدعلی مانی، بازرگ و وزارت آموزش و پرورش این جمعیت را اداره می‌کردند.^{۶۴}

چهار رکن اعتقادی تسلیح اخلاقی؛ امانت مطلق، پاکیزگی مطلق، از خودگذشتگی مطلق و محبت مطلق بود و هر یک از اعضا موظف بودند با نیکوکاری و اعتقاد به خداوند، با اثرات ناشی از صنعتی شدن مبارزه کنند؛ اثراتی که سبب شده جوانان از خانواده دور و دچار انحراف اخلاقی شوند.^{۶۵}

در اغلب جلسات انجمن تسلیح اخلاقی، سخنرانان درباره رویکرد جوامع به معنویت و اثرات مثبت آن سخن می‌گفتند و فعالیت‌های برخی از اعضای انجمن تسلیح اخلاقی را در کشورهای مختلف توضیح می‌دادند. همچنین سخنرانان و مدعوین انجمن قلم پیرامون موضوعات علمی و ادبی سخنرانی می‌کردند. این جلسات با نمایش یک فیلم به پایان می‌رسید. فیلمهایی که توسط تسلیح اخلاقی نمایش داده می‌شد، محدود بود و هر بار یکی از فیلمهای جزر و مد تاریخ، مردان برزیل، شاه تجربه زندگی، پنخس می‌شد. مضمون اغلب آنها، شخصیت‌هایی بودند که در ابتدای فیلم قصد خرابکاری داشتند و در اثر حوادثی به راه درست هدایت می‌شدند.^{۶۶}

همه این فیلمها تبلیغاتی و با پیامهای مستقیم انجمن تسلیح اخلاقی بود. سخنرانان در جلسات مشترک، اغلب دکتر رضازاده شفق، دکتر حاذقی، رهنما، دکتر شاهکار، دکتر مشیری و دکتر ناظرزاده کرمانی بودند.

تلفیق جلسات این دو انجمن چندان دوام نیاورد. رؤسای دو انجمن در ۷ خرداد ۱۳۴۶ اعلام کردند چون نتیجه موردنظر را از تلفیق جلسات دو انجمن نگرفته‌اند، جلسات خود را از هم تفکیک خواهند کرد.^{۶۷}

شعبات انجمن

انجمن قلم ایران در چندین شهر از جمله تبریز، مشهد، اصفهان، همدان، استان خوزستان و

شیراز شعباتی داشت. کنگره قلم شیراز یکی از شعب مهم انجمن محسوب می‌شد و صدرالدین محلاتی ریاست آن را به عهده داشت. دکتر صمد شریفی و دکتر شجیعی نایب رئیس، دکتر بصیری دبیر و علی اکبر مینو خزانه‌دار این شعبه بودند. ابوالحسن رضوی نیز مؤسس کنگره قلم بود.^{۶۸} همچنین دکتر حکمت در سال ۱۳۴۲ گروهی را به خراسان و آذربایجان فرستاد تا شعبه‌ای از انجمن قلم را در این استانها تأسیس کنند.^{۶۹} در ۱۳۵۶ نیز شعبه انجمن قلم در آبادان تشکیل شد.^{۷۰} از بدو تأسیس انجمن، دبیرکل و مؤسسین در ارتباط با مبانی اعتقادی حکومت شاه مورد سؤال قرار گرفتند و هر یک از آنان به نحوی نسبت به شاه و حکومت سلطنتی ایران وفاداری کردند.^{۷۱} پس از افتتاح دفتر انجمن در بلوار الزیارت، بلافاصله مسئله عدم نصب عکس شاه در سالن انجمن مورد انتقاد ساواک قرار گرفت.^{۷۲} چند روز بعد عکسی جمعی از شاه همراه عده‌ای از دانشجویان در سالن انجمن نصب شد.^{۷۳}

رهنما به عنوان دبیرکل همواره تحت نظر ساواک بود. او با دکتر مظفر بقایی نیز مرتبط بود و در جلسات «حزب زحمتکشان» به ریاست دکتر بقایی شرکت می‌کرد. فعالیت رهنما در حزب فقط به حضور در جلسات محدود می‌شد. علاوه بر این در برخی جلسات «سازمان نگهداران آزادی» نیز شرکت می‌کرد.^{۷۴} این در حالی بود که انجمن PEN فرانسه که ارتباط نزدیک و دوستانه‌ای با رهنما داشت تمایلات سوسیالیستی داشت.

رهنما با تیوینچاروف، وابسته فرهنگی سفارت بلغارستان و هگر، وابسته مطبوعاتی سفارت چکسلواکی روابط نزدیکی داشت.^{۷۵}

پسر رهنما نیز که در فرانسه تحصیل کرده، کارگردان بود، به عنوان یکی از اعضای سازمان مارکسیستی «طوفان» شناخته می‌شد و رهنما به شدت از وی حمایت می‌کرد، که به نظر می‌رسد بیشتر حمایت پدرانه از وی بوده است.^{۷۶}

نتیجه

بررسی شکل‌گیری انجمن قلم در اروپا، نشان می‌دهد که اروپاییان پس از گذراندن مراحل متعدد اجتماعی، انجمن قلم PEN را به وجود آوردند. آنان در کنار تحولات اجتماعی - سیاسی عمیق، مکتبهای ادبی را تجربه کردند که هر یک از این مکتبها به فراخور وضعیت اجتماعی، واجد ویژگیهایی بود و تفکر خاصی را در خود می‌پروراند. بسیاری از این مکاتب، بازتابنده مشخصه‌های دوران خود بود. به عبارتی هر نحله ادبی بازتاب زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوران خود بود.

انجمن PEN زمانی در اروپا متولد شد که علاوه بر تغییر اساسی در ساختارهای اجتماعی،

اروپا یک جنگ خانمانسوز بین‌المللی را از سر گذرانده، تبعات جنگ تمامی افکار و اندیشه‌های انسانی را درنوردیده بود. جنگ جهانی حتی روابط انسانی و فردی را تغییر داد. اندیشمندان غربی پس از جنگ علاوه بر آنکه در آثار خود تصاویر سیاه جنگ را منعکس می‌کردند، به دنبال مفری بودند تا از تکرار آن فاجعه جلوگیری کنند. از این رو هر یک از نهادهای جدید با فلسفه ضدجنگ شکل می‌گرفت.

نخستین گام برای تحقق این اندیشه جلوگیری از استبداد فردی و دفاع از حقوق عامه مردم در مقابل قوانینی بود که ریشه در دیکتاتوری داشت. معنای آزادی در اروپا در مقابل جنگ، کشتار، سلطه، قتل، تجاوز و هر معنای ضدانسانی دیگری قرار گرفت و تفسیر شد. صاحبان فکر بر این باور شدند که چنانچه «آزادی» هدف هر جامعه انسانی شود، می‌تواند دریچه‌های سعادت را برای همیشه به روی جهان بگشاید و البته در این اندیشه به افراط کشیده شدند. اما به هر روی این تفکر نتیجه تحولات متعدد، عمیق و طولانی مدتی بود که به جامعه اروپایی رسید. انجمنها، نهادهای متعدد علمی و ادبی، ابزارهای تفکر حاکم بر جامعه اروپایی شدند و در نتیجه ارتباط بین جوامع این اندیشه‌ها به کشورهای دیگر نیز سرایت کرد. به عبارتی نهادهایی مانند انجمن قلم (PEN) با تفکر خاص خود و البته با اندیشه حاکم بر آن به جامعه‌ای مانند ایران وارد شد؛ جامعه‌ای که اساس آن با جوامع اروپایی تفاوت ماهوی داشت. اگر اروپا با طی تحولات عمده پس از جنگ، نهادی مانند انجمن قلم را در خود پرورش داد؛ در ایران زمانی انجمن قلم شکل گرفت که تنها چهار سال از تشکیل و بازسازی دوباره یک حکومت دیکتاتوری می‌گذشت. ایران نه تنها مراحل اجتماعی - فرهنگی اروپا را نگذرانده بود بلکه حتی از ویژگیهای فکری متفاوت و گاه متناقضی برخوردار بود. انجمن قلم ایران از بطن حکومت دیکتاتوری پهلوی و با توسل به ابزارها و امکانات آن حکومت آغاز به کار کرد و عنوان شعبه‌ای از انجمن قلم اروپا را بر خود گذاشت. در حالی که اولین اصل انجمن PEN مبارزه با دیکتاتوری و سلطه‌گری بود. دبیر انجمن قلم ایران، زین‌العابدین رهنما، سابقه‌ای روشن در حمایت از رضاشاه داشت. او از جمله افرادی بود که در مقابل مجلس (تجسم اندیشه مردم) ایستاد و برای قدرت‌گیری پهلوی تبلیغات کرد. رهنما اگرچه به عنوان نویسنده و پژوهشگر، پایه‌گذار انجمن قلم ایران شد ولی مرد سیاست‌پیشه‌ای بود که روزگاری در مطبوعات قلم می‌زد و از این راه در میان سیاستمداران پایگاه خاصی به دست آورده بود. از طریق همان روابط خاص توانست انجمن قلم ایران را تداوم ببخشد. حضور افرادی مانند هویدا، اقبال، برخی نمایندگان مجلس، بعضی از وزرا یا نظامیان چه با شرکت در جلسات انجمن و چه با حمایتی که از انجمن به عمل می‌آوردند، نشانه‌ای از ارتباط دوستانه و نزدیک رهنما با این

افراد را به نمایش می‌گذارد.

رهنما، با کمکهای شرکت ملی نفت ایران توانست ساختمان انجمن را تدارک ببیند. شرکت ملی نفت ایران نیز وابسته تمام و کمال به دولت و حکومت بود. به عبارتی محلی که توسط حکومت تدارک دیده شده بود، مکان مناسبی برای برخورد با حکومت دیکتاتوری و تدوین و پرورش اندیشه‌های آزادیخواهانه نبود.

علاوه بر این دبیر انجمن که بودجه تألیف کتب خود را از دفتر مخصوص فرح تأمین می‌کرد، نمی‌توانست اندیشه مستقل و آزادی داشته باشد؛ چه رسد به این که بتواند داعیه مبارزه با سانسور و اختناق را سرلوحه انجمن قلم قرار دهد و به آن عمل کند.

نتیجه این تناقضات که در اهداف انجمن قلم و ارکان فکری و اجرایی آن وجود داشت، سبب شد انجمن قلم نه تنها اساس نامه کارایی نداشته باشد، بلکه حتی نتواند به هدفهای حکومت پهلوی نیز جامه عمل بپوشاند.

انجمن قلم تنها محلی برای تجمع برخی نویسندگان و سیاسیون وابسته به حکومت شده بود که بیشترین فعالیت آن تشکیل جلسات هفتگی و ماهیانه بود. این جلسات هم به تعریف و تمجیدهای مبالغه‌آمیز سخن‌رانان از فعالیتها و سیاستهای حکومتی محدود می‌شد. انجمن قلم ایران هیچ‌گاه موفق نشد اهداف اولیه انجمن بین‌المللی قلم (PEN) را پی بگیرد.

پانوشتها:

- ۱- سعیدیان، عبدالحسین، *دایرةالمعارف ادبی*، تهران، علم و زندگی، ۱۳۷۴، ص ۴۳ و ۵۸.
- ۲- صورتگر، لطفعلی، *تاریخ ادبیات انگلیس*، تهران، انتشارات علمی، بی‌تا، ص ۲۹۵.
- ۳- سیدحسینی، رضا، *مکتبهای ادبی*، ج ۱، تهران، نگاه، ۱۳۷۶، ص ۱۶۳.
- ۴- *دایرةالمعارف ادبی*، صص ۱۴۷ تا ۱۵۱.
- ۵- پریستلی، جی. ام، *سیری در ادبیات غرب*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی و فرانکلین، ۱۳۵۲، صص ۳۵۰ و ۳۵۱.
- ۶- تاپیتسون، فرانک. پ و رابرت آلدریچ، *تاریخ اقتصادی و اجتماعی اروپا*، ترجمه کریم پیرحیاتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، صص ۲۷۰ - ۲۲۰.
- ۷- *مکتبهای ادبی*، صص ۷۵۰ تا ۷۶۶.

8- English Center Pen. www.Pen.Org.uk.

۹- همان.

۱۰- روزنامه کیهان، ۸ بهمن ۱۳۴۰.

11- www.pen.org.uk ; www.pen.org.

۱۲- همان و www.pen.Deutschland.dc

- ۱۳- همان.
- ۱۴- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، پرونده شم ۴۱۳۱۱۵، ج ۱، ص ۱۲۱. در سندی دیگر سال تولد رهنما ۱۲۶۹ش ذکر شده است. (همان پرونده شم ۳۰۵۵۱، ص ۱۳).
- ۱۵- بولارد، سرریدر، نامه‌های خصوصی و گزارشات محرمانه، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران، انتشارات طرح نو، چ دوم، ۱۳۷۸، ص ۸۳.
- ۱۶- برزین، مسعود، شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷هـ. ش، تهران، انتشارات بهجت، چ اول، ۱۳۷۱، ص ۲۳۰.
- ۱۷- خامه‌ای، انور، خاطرات یک روزنامه‌نگار، نشر دیگر، چ اول، ۱۳۸۱، ص ۳۵ تا ۴۰.
- ۱۸- بهزادی، علی، شبه خاطرات، ج ۱، انتشارات زرین، چ اول، ص ۲۵۶.
- ۱۹- مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۲، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹، ص ۵۵۴.
- ۲۰- همان، ج ۶، صص ۲۲۰ و ۲۲۱.
- ۲۱- همان، ج ۲، ص ۵۶۲.
- ۲۲- شبه خاطرات، ص ۲۵۶.
- ۲۳- همان، صص ۲۵۷ و ۲۵۸.
- ۲۴- میلانی، عباس، معمای هویدا، تهران، نشر اختران، ۱۳۸۰، صص ۱۲۲ - ۱۱۴.
- ۲۵- شبه خاطرات، ص ۲۵۸.
- ۲۶- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، پرونده شم ۴۱۳۱۱۵، ج ۱، ص ۶.
- ۲۷- همان، پرونده شم ۱/۲۸۲۶ م، ص ۲۸.
- ۲۸- همان، ص ۲۵.
- ۲۹- همان، پرونده شم ۳۰۵۱، ص ۷۱.
- ۳۰- همان، پرونده شم ۱۵۴۸۳۱.
- ۳۱- همان، پرونده شم ۱/۲۸۲۶ م، ص ۱۶.
- ۳۲- همان، ص ۱۸.
- ۳۳- همان.
- ۳۴- کیهان، پنجمین ۱۳۸۲/۵/۹.
- ۳۵- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، پرونده شم ۴۱۳۱۱۵، ج ۱، صص ۱۱۳، ۱۱۵ و ۱۱۷.
- ۳۶- همان، سند شم ۱۶.
- ۳۷- همان، سند شم ۱۱.
- ۳۸- همان، تهران مصور، «انجمن قلم»، پرونده شم ۱۰۰۱، ص ۵۴.
- ۳۹- کیهان، پرونده شم ۵۵۶۹، ص ۱۰.
- ۴۰- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، پرونده شم ۴۱۳۱۱۵، ج ۱، ص ۱۵۱.
- ۴۱- همان، ص ۱۲۰.
- ۴۲- همان، ص ۱۱۹.
- ۴۳- همان، ص ۶.
- ۴۴- همان، ص ۲۲.
- ۴۵- همان، پرونده شم ۳۰۵۵۱، ص ۲۱.
- ۴۶- همان، پرونده شم ۴۱۳۱۱۵، ج ۱، ص ۱۱۰.
- ۴۷- همان، ص ۸۸.
- ۴۸- همان، ص ۲۹.
- ۴۹- همان، صص ۱۹۴ و ۱۹۵.
- ۵۰- همان، ص ۲۴۴.

- ۵۱- همان، ص ۲۶۸.
۵۲- همان، ج ۲، ص ۵ و ج ۱، ص ۲۶۸.
۵۳- همان، ج ۱، ص ۲۹۶.
۵۴- همان، ج ۲، ص ۱۲.
۵۵- همان، ج ۱، ص ۲۳۹.
۵۶- همان، ج ۲، ص ۴.
۵۷- همان، ج ۱، ص ۲۴۶.
۵۸- همان، ج ۲، صص ۶ و ۷.
۵۹- همان، ج ۱، ص ۲۳۵.
۶۰- همان، ص ۲۲۹.
۶۱- همان، ص ۲۴۵.
۶۲- همان، پرونده شم ۱۵۴۸۳۱، صص ۱ تا ۴.
۶۳- همان، ص ۴.
۶۴- همان، صص ۸۷ و ۸۸.
۶۵- همان، پرونده شم ۴۱۳۱۱۵، ج ۱، ص ۸۳.
۶۶- همان، ج ۱، صص ۸۲ و ۸۳ و صص ۹۶ و ۹۷، صص ۸۷ و ۸۸.
۶۷- همان، ص ۹۶.
۶۸- همان، ج ۱، صص ۱۵۱ - ۱۵۰.
۶۹- همان، ص ۱۴۲.
۷۰- همان، ج ۲، ص ۴۵.
۷۱- همان، ج ۱، صص ۱۲۰ و ۱۲۱.
۷۲- همان، ج ۱، ص ۲۷۶.
۷۳- همان، ص ۲۷۸.
۷۴- همان، پرونده شم ۳۰۵۵۱، ص ۵ تا ۱۱.
۷۵- همان، صص ۳۶ و ۳۸.
۷۶- همان، پرونده شم ۳۰۵۵۱، ص ۸۸.

